

دادگاه حقوق بشر اروپا: پرونده پولات و تالی علیه ترکیه

ترجمه (CASE OF POLAT AND TALI v. TURKEY 2018)

مزدک نصوری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

m.nasouri@mail.sbu.ac.ir

مقدمه

در پرونده پولات و تالی علیه ترکیه، دادگاه حقوق بشر اروپا (بخش دوم)، کمیته‌ای متشکل از: پائول لمنس (رئیس)، والرئو گریجو و استفانی مورو ویکستروم (قضات) و حسن باکیرچی (نماینده دولت ترکیه) که در ۴ سپتامبر ۲۰۱۸ به طور محرمانه برگزار شد، حکم زیر صادر و در آن تاریخ ایراد شد.

رویه دادرسی

– این پرونده با درخواستی (به شماره ۱۰/۵۷۸۲) علیه جمهوری ترکیه به موجب ماده ۳۴ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (کنوانسیون) توسط دو تبعه ترکیه، خانم ایلیم دیلان پولات و آقای مهمت تالی (خواهان‌ها) در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ تشکیل شده است.

– وکالت متقاضیان را وکلای شاغل در استانبول، خانم آلتای و آقای کاراکز بر عهده داشتند. وکالت دولت ترکیه (دولت) را نماینده آنها بر عهده داشت.

– خواهان‌ها مدعی بودند که اقدامات جنایی علیه آنها تحت عنوان جلوگیری از عملیات تروریستی (قانون به شماره ۳۷۱۳) انجام گرفته و محکومیت متعاقب آن باعث نقض حق آزادی بیان آنها شده است.

– در ۲۶ آگوست ۲۰۱۶ شکایات مربوط به نقض حقوق آزادی بیان خواهان‌ها به دولت ابلاغ شد و مابقی درخواست بر طبق بند ۵۴ قوانین دادگاه غیرقابل پیگیری دانسته شد.

– در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۱۸ دولت اطلاع یافت که دادگاه در نظر دارد درخواست را به کمیته واگذار کند. دولت با نامه‌ای به تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۸ با بررسی درخواست توسط کمیته مخالفت کرد. دادگاه با توجه به اعتراض دولت، آن را رد کرد.

حقایق

۱. شرایط پرونده

۶. خواهان ها به ترتیب متولد ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶ بودند و در سوئیس زندگی می کردند. آنها در زمان مذکور، عضو تیم تحقیقاتی علوم شرقی بودند.

۷. تیم در خلال ۳۰ می تا اول ژوئن ۲۰۰۵ نمایشگاهی را در دیاربکر به عنوان بخشی از پنجمین جشنواره فرهنگ و هنر دیاربکر، با عنوان «گفتمان شاهدان جنگ» ترتیب داده بود. در نمایشگاه عکس هایی از اعضای کشته شده PKK (سازمان مسلح غیرقانونی)، اعضای کشته شده نیروهای امنیتی که در یک عملیات امنیتی کشته شده بودند، اشخاصی که زندگی خود را در زندان از دست داده بودند، قربانیان مفقودین اجباری و قربانیان ترورهایی که توسط مهاجمان ناشناخته در جنوب شرقی ترکیه انجام شده بود، به صورت عمومی به نمایش گذاشته شده بود. در نمایشگاه همچنین اظهارات خانواده های افراد کشته و مفقود شده وجود داشت که نسبت های آنها را نشان می داد و حاوی دیدگاه های شخصی آنها به آشوب هایی بود که در جنوب شرقی ترکیه در جریان بود و نیز آرزوی آنها به ایجاد صلحی پایدار را در بر داشت.

۸. در یک روز نامشخصی تحقیقات جنایی علیه خواهان ها و پنج نفر دیگر در ارتباط با اتهام نشر تبلیغات به نفع PKK انجام گرفت. در ۳۱ می ۲۰۰۵ خواهان ها توضیحاتی را به قاضی تحقیق ارائه دادند. هر دو خواهان مدعی بودند که نمایشگاه صرفاً به دلایل جامعه شناسختی برگزار شده بود و آنها مصاحبه هایی با خانواده کشته شدگان انجام داده بودند که در نمایشگاه به نمایش گذاشته شده بود. آنها همچنین تأیید کردند که هیچ هدفی برای انتشار تبلیغات به نفع PKK نداشتند. قاضی دادگاه درخواست دادستان را برای بازگرداندن متهم به حبس منفصل کرد.

۹. دادستان در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۰۵ کیفرخواستی را به دیوان کیفری دیاربکر تسلیم کرد که خواهان ها و پنج نفر مظنون دیگر را به نشر تبلیغات به نفع PKK به موجب ماده ۷(۲) قانون ۳۷۱۳ متهم می کرد.

۱۰. در جریان پرونده دیوان کیفری دیاربکر خواهان ها اظهارات قبلی خود را تکرار کردند و با این مسأله مخالفت کردند که در نمایشگاه عکس های اعضای کشته شده نیروهای امنیتی در کنار عکس های اعضای کشته شده PKK به نمایش در آمده است.

۱۱. دیوان کیفری دیاربکر در ۱۸ می ۲۰۰۶ هر دو خواهان را به موجب ماده ۷(۲) قانون ۳۷۱۳ به جرم نشر تبلیغات به نفع سازمان غیرقانونی محکوم کرد. خواهان ها به ترتیب به دو سال و یک سال و هشت ماه حبس محکوم شدند. دادگاه در جریان حکم خود دریافت که برگزارکنندگان نمایشگاه به اختلافات مسلحانه میان نیروهای امنیتی و PKK با عنوان «جنگ» و به اعضای PKK با عنوان «چریک جنگی» اشاره کرده اند و بر این اساس تروریست های جنگی را ستوده اند و جوانان را ترغیب کرده اند تا عضو

PKK شوند. هم‌چنین دادگاه خاطرنشان ساخت که «جنگ» اختلافی مسلحانه میان دو کشور و چریک شخص مسلحی است که علیه اشغال ظالمانه می‌جنگد. دادگاه هم‌چنین دریافت که تعدادی عکس از سربازان کشته شده نیز به نمایش گذاشته شده است تا قصد متهم برای ترغیب جوانان به پیوستن به PKK پنهان بماند.

۱۲. در ۹ ژوئن ۲۰۰۹ دادگاه کیفری حکم خواهان دوم را رد کرد و معتقد بود که پرونده باید به موجب ماده ۲۳۱ قانون مجازات کیفری (به شماره ۵۲۷۱) مورد بازنگری قرار بگیرد که بلا تکلیفی حکم قضاوت را تصحیح می‌کند. با این حال، حکم دادگاه ۱۸ می ۲۰۰۶ در مورد خواهان اول نهایی شد. در سوم آگوست ۲۰۰۹ رأی دادگاه کیفری در دفتر اولین مورد دادگاهی ثبت شد.

۱۳. در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۹ دیوان کیفری دیاربکر بر طبق ماده ۲۳۱ قانون مجازات کیفری تصمیم گرفت تا رأی خود درباره خواهان دوم را با این شرط به حالت تعلیق در بیاورد که در طی پنج سال آتی هیچ جرم عمدی انجام ندهد.

۱۴. خواهان اول محکوم به رأی ۱۸ می ۲۰۰۶ بود.

۲. قانون مربوطه داخلی

الف: جلوگیری از عملیات تروریستی (قانون ۳۷۱۳)

۱۵. در زمان وقوع حوادثی که منجر به درخواست فعلی شد، بند (۲) قانون ۳۷۱۳ به شرح زیر بود: «هر کسی که به اعضای سازمان‌های ذی‌ربط [سازمان‌های تروریستی] کمک کند یا تبلیغاتی را نشر دهد که باعث تشویق دیگران به خشونت یا دیگر روش‌های تروریستی شود، باید به مدت یک تا پنج سال محکوم به حبس یا جریمه نقدی به میزان پنج میلیون تا یک میلیارد لیر شود.»

ب: قانون مجازات کیفری (۵۲۷۱)

تعلیق حکم تحت نظارت ماده ۲۳۱ مجازات کیفری صورت می‌گیرد، پاراگراف‌های مربوطه را در زمان حادثه می‌خوانیم:

(۵) اگر متهم به اتهاماتی علیه خود محکوم شده است یا موظف به پرداخت جریمه مالی یا حبس به مدت کمتر از دو سال شده است، ممکن است دادگاه تصمیم بگیرد تا رأی خود را به حالت تعلیق در بیاورد. .. تعلیق حکم بدان معنا است که حکم پیامدهای قانونی برای مجرم در پی نخواهد داشت.

(۶) تصمیم به تعلیق حکم ممکن است در صورتی صادر شود که:

الف: مجرم هرگز مرتکب جرم عمدی نشود؛

ب: دادگاه با توجه به ویژگی‌های شخصی و رفتار متهم در طی زمان رسیدگی، متقاعد شود که احتمال اندکی وجود دارد که مرتکب جرمی شود؛ و

ج: زیان وارد شده بر قربانی یا جامعه از طریق پرداخت جریمه یا غرامت جبران شود.

.....

(۸) اگر حکم به حالت تعلیق درآید، مجرم در طی پنج سال آینده تحت نظارت خواهد بود.

.....

(۱۰) اگر مجرم مرتکب جرم عمدی دیگری نشود و به تعهدات نظارت پایبند بماند، حکم رأی که به حالت تعلیق درآمده است ملغی شده و پرونده متوقف خواهد شد.

(۱۱) اگر مجرم مرتکب جرم عمدی دیگری شود یا برخلاف الزامات نظارت عمل کند، دادگاه باید حکم را اعمال کند. با این حال ممکن است دادگاه وضعیت متهم را ارزیابی نماید و تصمیم بگیرد که حکم را به طور کامل اجرا ننماید. اگر شرایط اجازه دهد، ممکن است دادگاه اجرای حکم زندان را به حالت تعلیق دریاورد یا آن را به اقدامات انتخابی دیگری تبدیل کند.

(۱۲) اعتراض به تصمیم به تعلیق درآوردن حکم ممکن است ثبت شود.

قانون

نقض صریح ماده ۱۰ کنوانسیون

خواهان ها شکایت کردند که دادرسی جنایی تحت نظارت بخش (۲) قانون ۳۷۱۳ علیه آنها اقامه دعوی کرده است و محکومیت متعاقب آنها باعث نقض حق آزادی بیان آنها شده است. از این رو آنها به ماده ۱۰ کنوانسیون متوسل شدند که به شرح زیر است:

«۱. هر کسی حق آزادی بیان دارد. این حق هم چنین حق حفظ عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه ها بدون دخالت مراجع دولتی و بدون توجه به مرزها را شامل می شود. این ماده مانع تقاضای دولتها برای دریافت مجوز انتشار اخبار یا فعالیتهای بنگاههای تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود.

۲. از آنجایی که استفاده از این آزادی ها با وظایف و مسئولیتهایی همراه است، ممکن است تابع معاهدات، شرایط، محدودیت ها و مجازاتی باشد که توسط قانون اعمال شده است و برای جامعه دموکراتیک، دغدغه های امنیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت عمومی و برای جلوگیری از اختلال و جنایت و برای حفاظت از سلامتی و یا اخلاق، برای حفظ اعتبار یا حقوق دیگران، برای جلوگیری از افشای اطلاعات دریافت شده و یا حفظ اقتدار و بی طرفی دستگاه قضائیه لازم و ضروری است.»

۱۸. دولت این استدلال را محکوم کرد.

الف. پذیرش

۱. خواهان دوم

۱۹. دولت مدعی بود که خواهان دوم وضعیت قربانی به معنای مذکور در ماده ۳۴ کنوانسیون را نداشته است، همان طور که در انتهای پرونده محکوم نشده بود. آنها هم چنین مدعی بودند که متقاضی دوم

نتوانسته از راه‌حل‌های داخلی استفاده کند، زیرا او به تصمیم ۲۲ اکتبر ۲۰۰۹ مبنی بر تعلیق حکم علیه خود اعتراضی نکرده بود. آنها پذیرفتند که خواهان دوم می‌تواند با استفاده از راه‌حل موردنظر شکایت خود را مطرح کند. دولت در حمایت از ادعاهای خود، رونوشتی از تصمیم دیوان کیفری به تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ را ارائه داد (تصمیم به شماره ۱۵/۲۰۱۳). دادگاه کیفری در این تصمیم که در مورد پرونده‌ای برگزار شده بود که در آن متهم به استفاده از مواد محکوم شده بود، و دادگاه موارد نخست به درمان متهم دستور داده بود تا از اقدامات قضایی پس از درمان او استفاده شود، دادستان با توجه به صلاحیت متهم به رأی اعتراض کرد و دستورات فوق دادگاه را به چالش کشید و معتقد بود که باید بر اساس شایستگی و اقدامات دیگر مورد بررسی قرار بگیرد.

۲۰. خواهان دوم به اعتراضات مذکور که توسط دولت مطرح شده بود پاسخی نداد.

۲۱. از نظر دادگاه هم نیازی نبود تا بخش نخست اعتراضات دولت بررسی شود و به این نتیجه رسید که درخواست مطرح توسط خواهان دوم بنا به دلایل زیر مردود است.

۲۲. دادگاه تصریح می‌کند که در ادعای دولت بیان عدم ناکارآمدی لازم بود تا دادگاه را راضی کند که راه حل مورد نظر راه حل موثری بود و در زمان مربوطه در نظر و عمل در دسترس بود. به محض اینکه این امر برآورده شد، برعهده خواهان است که اثبات کند راه حل مطرح توسط دولت در واقع کارآمد نبود یا اینکه بنا به دلایلی ناکافی بود و یا در شرایط خاص پرونده تأثیری نداشت یا اینکه شرایط خاصی وجود داشت که او را از این الزامات مبرا می‌کرد (بینید ماکثانو و دیگران، ۲۰۱۰/۸۶۵ و موارد دیگری که در اینجا به آن اشاره شده است).

۲۳. در این رابطه دادگاه درمی‌یابد که دولت پذیرفته است که خواهان دوم از استفاده از راه‌حل مطرح در ماده ۳۱ § ۱۲ قانون مجازات کیفری ناموفق بوده است و از این رو رونوشتی از تصمیم دادگاه کیفری به تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ در حمایت از نظر خود ارائه داده است. دادگاه یادآور می‌شود که تصمیم مذکور به ملاحظات دیوان کیفری به پرونده‌ای مربوط می‌شود که در آن به فرایند رسیدگی به پرونده کیفری اعتراض شده است و به طور خاص به پرونده‌ای مربوط نمی‌شود که در آن رأی به تعلیق حکم صادر شده است. دادگاه هم چنین درمی‌یابد که خواهان دوم هیچ استدلالی علیه اعتراضات دولت مطرح نکرده است. او حتی تلاش نکرده بود که در مقابل دادگاه ادعا کند که به واقع راه‌حل‌های داخلی کارآمد بوده‌اند یا اینکه ادعا کند که راه‌حل ارائه شده از سوی دولت ناموثر یا ناکافی بوده است. در چنین شرایطی دادگاه به این نتیجه رسید که خواهان دوم از استفاده از راه‌حل داخلی ناتوان بوده است.

۲۴. بر این اساس، درخواست خواهان دوم باید بر طبق ماده ۳۵ § ۱۰ کنوانسیون عدم کارآمدی راه‌حل داخلی رد شد.

۲. خواهان اول

۲۵. دادگاه خاطر نشان می‌شود که درخواست خواهان اول به طور واضح در معنای ماده ۳۵ § ۳ کنوانسیون قرار ندارد. علاوه بر این یادآور می‌شود که این امر در موارد دیگر قابل قبول نیست. از این رو باید پذیرفته شود.

ب. شایستگی‌ها

۲۶. خواهان اول پذیرفت که هیچ هدفی برای نشر تبلیغات به نفع PKK نداشته است. هدف از برگزاری نمایشگاه صرفاً نشان دادن رنج‌های ناشی از مسئله کردها در ترکیه و ایجاد زمینه برای بحث درباره این مسئله بود. بر طبق نظر خواهان اول، محتوای نمایشگاه باعث ترویج خشونت نبوده است. یا باعث تحسین خشونت یا تهدید نظم عمومی نبوده است. خواهان نخست دریافت که درگیری مسلحانه در ترکیه را می‌توان به منزله «جنگ کم‌قدرت» توصیف کرد و در هر صورت او پایبند تعارف رسمی دولتی نبوده است. علاوه بر این آزادی بیان این اجازه را به او می‌داد که در هنگام نقد سیاست‌های رسمی نظامی از زبان نیرومندتری استفاده کند.

۲۷. دولت پذیرفت که خواهان اول بر طبق بخش (۲) ماده ۷۳۷۱۳ تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و اجازه هر گونه مداخله‌ای توسط قانون صادر شده است. علاوه بر این آنها پذیرفتند که مقامات داخلی به دنبال اهداف قانونی حفاظت از امنیت ملی و نظم عمومی و همچنین جلوگیری از جرم و جنایت بوده‌اند. دولت با توجه به ضرورت دخالت در یک جامعه دموکراتیک اظهار داشت که با توجه به مبارزه نیروهای امنیت علیه تروریسم خواهان اول با عنوان جنگ در نمایشگاه به نشر تبلیغات به نفع PKK پرداخته است. علاوه بر این دولت خاطر نشان ساخت که اعضای PKK به عنوان چریک توسط اشخاصی معرفی شده‌اند که یا با PKK ارتباط داشتند یا حامی آنها بودند و از این رو خواهان اول با اشاره به اعضای کشته شده PKK به عنوان چریک آنها را به قهرمان تبدیل کرده است. دولت پذیرفت که خواهان اول اشخاصی را که عکس‌های آنها به عنوان اعضای سازمان تروریستی به نمایش گذاشته شده بود نمی‌شناخت. دولت هم-چنین مدعی بود که در نمایشگاه هیچ کار جامعه‌شناختی انجام نشده است، و محتوای کتاب بازدیدکنندگان نشان داد که خواهان اول مردم را به مشارکت در سازمان تروریستی تشویق کرده است. دولت در نهایت یادآور شد که نمایشگاه در دیاربکر برگزار شده بود، جایی که مقامات نسبت به اعمال ترویج خشونت حساس هستند.

۲۸. دادگاه مدعی است که مداخله در حق آزادی بیان خواهان اول بر طبق ماده ۲۳۱ قانون ۳۷۱۳ صورت گرفته است. دادگاه با توجه به نتیجه این امر (پاراگراف ۳۵ را ببینید) به این نتیجه می‌رسد که نیازی به بررسی قانونمند بودن مداخله نیست. علاوه بر این دادگاه آماده است که در مورد پرونده حاضر بپذیرد که

مقامات ملی حق داشته‌اند به دنبال اهداف قانونی محافظت از امنیت ملی و جلوگیری از وقوع اختلال و جرم باشند.

۲۹. دادگاه با توجه به ضرورت دخالت در یک جامعه دموکراتیک خاطرنشان می‌سازد که شکایات مشابهی در چندین پرونده بررسی شده است که به تخطی از ماده ۱۰ کنوانسیون مربوط می‌شود. دادگاه پرونده حاضر را نیز بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که دولت هیچ استدلال دیگری مطرح نکرده است تا در این پرونده به نتیجه متفاوتی دست یابد.

۳۰. در این ارتباط دادگاه درمی‌یابد که در جریان نمایشگاهی که توسط تم تحقیقاتی در خلال ۳۰ می تا اول ژوئن ۲۰۰۵ برگزار شده بود، عکس‌های اعضای کشته‌شده PKK، اعضای کشته‌شده نیروهای امنیتی که در طی یک عملیات امنیتی کشته شده بودند، اشخاصی که زندگی خود را در زندان از دست داده بودند، قربانیان مفقودین اجباری و قربانیان حملات اشخاص ناشناخته در جنوب شرقی ترکیه در معرض نمایش عموم قرار گرفته بودند. در نمایشگاه هم‌چنین جملات خانواده‌های افراد کشته‌شده و مفقودشده وجود داشت. اکثر اعضای خانواده‌ها خواستار صلح در جملات خود شده بودند. دادگاه هم‌چنین می‌گوید که د زمان محکوم کردن خواهان اول، دیوان کیفری دیاربکر اظهار داشت است که در دعوت‌نامه‌های مربوط به نمایشگاه به درگیری مسلحانه میان نیروهای امنیتی و اعضای PKK به عنوان جنگ و به اعضای PKK با عنوان چریک اشاره شده است. بر طبق نظر آن دادگاه، خواهان اول تروریست‌های کشته شده را ستوده است و جوانان را به عضویت در PKK ترغیب کرده است. دادگاه هم‌چنین خاطرنشان ساخت که جنگ درگیری مسلحانه میان دو کشور و چریک شخص مسلحی است که در مقابل اشغال ظالمانه مبارزه می‌کند. دادگاه هم‌چنین دریافت که تعدادی عکس مربوط به سربازان کشته‌شده به نمایش گذاشته شده است تا نیت متهم در ترغیب جوانان به پیوستن به PKK را پنهان سازد.

۳۱. دادگاه معتقد بود که عبارات «جنگ» و «چریک» فی‌نفسه باعث تحریک خشونت نمی‌شود، (ببینید به ویژه، اردوغو و اینجه، قبلاً اشاره شد، §۵۲، که در آن دادگاه معتقد بود که مصاحبه منتشرشده در یک مصاحبه ماهانه که در آن به اعضای PKK به عنوان «چریک» اشاره شده بود، نمی‌توانست باعث تحریک خشونت شود و نمی‌توان آن را به منزله مصاحبه‌ای متمایل به تحریک خشونت تفسیر کرد؛ پرونده گرگر که قبلاً اشاره شد، §۵۰، و بلق که قبلاً اشاره شد، §۳۴، که در آن دادگاه بر این اعتقاد بود که سخنرانی‌های متقاضیان که در آنها به اعضای PKK به عنوان چریک اشاره شده بود، فقط نقدهای سیاسی بر مقامات ترکیه بوده و نمی‌توانست منجر به تحریک به خشونت، مقاومت مسلحانه یا قیام شود؛ و نیز در پرونده کوچ و تامباش، §۳۸، و السوی، §۴۸، که در آن دادگاه به این نتیجه رسید که مقالات نگاشته و منتشرشده توسط خواهان‌ها، که در آن نویسندگان عملکرد نیروهای امنیتی علیه PKK را به منزله «جنگ کثیف» توصیف کرده بودند، صرفاً ارزیابی انتقادی از سیاست‌های ترکیه در قبال مسئله کردها است و باعث تشویق خشونت، مقاومت مسلحانه یا قیام یا منجر به سخنان نفرت‌انگیز نمی‌شود). علاوه بر این، دیوان

کیفری دیاربکر درباره محتوای نمایشگاه به طور کلی اظهارنظری نکرده بود. بلکه بیشتر بر استفاده از این دو عبارت متمرکز شده بود و دریافته بود که استفاده از آنها باعث نشر تبلیغات به نفع سازمان تروریستی شده است.

۳۲. دادگاه کلیت محتوای نمایشگاه را بررسی کرد و در کل به این نتیجه رسید که محتوای آن نمی‌تواند منجر به تشویق خشونت، مقاومت مسلحانه یا قیام شود. (ببینید بلق، ۳۴). برعکس، بیشتر وابستگان افراد کشته شده یا مفقود شده اظهاراتی را مطرح کرده بودند که به نفع صلح در ترکیه و یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مسئله کردها بود. دادگاه هم‌چنین درمی‌یابد که دادگاه موارد نخست از بررسی نتوانسته بود این مسئله را بررسی کند که آیا محتوای نمایشگاه تأثیر مخربی بر نظم عمومی داشته است. دادگاه در این رابطه خاطرنشان می‌سازد که در این پرونده هیچ چیزی حاکی از این نیست که مردم پس از بازدید نمایشگاه به اعمال خشونت‌آمیز ترغیب شده‌اند. (ببینید کلیچ و ارن، ترکیه، شماره ۰۷/۴۳۸۰۷، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱).

۳۳. با توجه به موارد فوق، دادگاه به این نتیجه می‌رسد که دلایل مطرح‌شده توسط دادگاه‌های ملی برای توجیه محکومیت کیفری خواهان اول به موجب ماده (۲) قانون ۷۳۱۳ با اهداف ماده ۱۰ کنوانسیون مرتبط و برای آن کافی نیست.

۳۴. در نهایت، دادگاه تأیید می‌کند که ماهیت و شدت مجازات اعمال شده نیز از عواملی هستند که باید هنگام ارزیابی تناسب مداخله مورد توجه قرار بگیرند. دادگاه در این رابطه به شدت مجازات اعمال‌شده به خواهان اول اشاره می‌کند، یعنی دو سال زندانی که او تحمل کرده است (ببینید کاراتاش، ترکیه، شماره ۹۴/۲۳۱۶۸).

۳۵. با توجه به موارد مذکور و نیز با توجه به تفسیر ماده (۲) قانون ۳۷۱۳ توسط دادگاه‌های ملی، دادگاه به این نتیجه رسید که «مداخله مذکور در یک جامعه دموکراتیک ضرورتی ندارد» (ببینید فاروق تمل، ۶۴). بر این اساس ماده ۱۰ کنوانسیون نقض شده است.

درخواست ماده ۴۱ کنوانسیون

۳۶. خواهان اول خواستار پرداخت ۵۰۰۰۰ یورو برای خسارت غیرنقدی شد. او هم‌چنین مدعی بود که دادگاه برای او ۲۲۰۰ یورو هزینه و مخارج در پی داشته است.

۳۷. دولت مدعی شد که ادعاهای خواهان اول بیش از اندازه بوده و مستند نیست.

۳۸. دادگاه بر مبنای منصفانه، ۵۰۰۰ یورو برای جبران خسارت غیرنقدی خواهان اول در نظر گرفت. از سوی دیگر، در غیاب هر گونه سندی در حمایت از ادعای او برای تأیید مخارج و هزینه‌ها، دادگاه ادعای او را رد می‌کند.

بنا به این دلایل، دادگاه متفقاً

– اظهار می‌دارد که شکایت مطرح توسط خواهان اول به موجب ماده ۱۰ کنوانسیون قابل قبول و مابقی درخواست غیرقابل قبول است؛

– معتقد است که در مورد خواهان اول ماده ۱۰ کنوانسیون نقض شده است،

– معتقد است:

(الف) جریمه نقدی ۵۰۰۰ یورو (پنج هزار یورو) که کشور پاسخ‌گو در طی سه ماه در قبال خسارت غیرنقدی و مالیات افزوده بر آن به خواهان اول باید پرداخت کند، به وجه رایج کشور پاسخ‌گو به نرخی که در زمان توافق شده کاربرد دارد تغییر می‌کند؛

(ب) پس از پایان سه ماه مذکور، میزان جریمه باید به میزانی مطابق با نرخ بانک مرکزی اروپا در طی دوره پرداخت نشده بعلاوه سه درصد مازاد باشد.

۴. مابقی درخواست خواهان اول را با رضایت نادیده می‌گیرد.

این دادگاه به انگلیسی برگزار شد و در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸ به صورت مکتوب بر طبق قانون ۲۸۸۷ و ۳ قوانین دادگاه اطلاع‌رسانی شد.

